

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میباد
بدین بوم ویر زنده یک تن میباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

دوازدهم آگست 2013

گل‌های میخک عشق من

یک روز گل‌ها می‌بیزمرند، درختان پوسیده میشوند، دل دریا از عطش می‌سوزد.
دیگر بهار باز نمی‌گردد. پائیز هم یادی از من دلخسته رنجور نمی‌کند، کبوتران
سپیدبال برف مرا به بال‌های شوق و نشاط نمی‌بندند.

آه! چه دردناک خواهد بود، اگر با بهار چشم تو بیگانه‌گردم و یا زورق
شکسته‌ای در دل امواج پرتلاطم دریای عشقت شوم!!!

اگر بهار را دوست دارم، بخاطر نگاه توست؛ نگاهی که طراوت و صفاء و
همه زیباییها را در خود دارد. اگر پائیز را دوست دارم، بخاطر قلب خودم
است، که بی تو چون درختان پائیزی عریان و بی پناه است. اگر دریا را
می‌پرستم، برای سخاوت آنست که بزرگی روح ترا تجلیگر است. اگر بفصل
سرد زمستان عشق می‌ورزم، برای صدف‌های صفاء‌آفرین برف‌های آنست، که این
صفاء و پاکی مرا به دنیایی خالی از هر نوع رنگ و ریا میکشاند و در پای
عشق تو آبم می‌سازد....

و تو اگر یک روز با بهار و پائیز و زمستان بیگانه‌ام سازی، دیگر انتظار
نداشته باش که این دیوانه خود را همچنان مست می عشق و وفاء بنگری. آن

روز گل‌های میخک عشقم که در هر ورقش مروارید هجاهای اسمت میدرخشد،
میخسکند و میمیرند و زینت بخش آرامگاه من میشوند. آن گاه بر مزار خسته
من بیا و بنگر که چگونه گل‌های میخک عشق در کنار قبر اندوه‌بارم در
گام‌های تند زمان میپژمرند.

آه! وفای مرا باور بکن!!!

(ناهدید "غزل" غنی زاده - کابل، 1360/11/10)